

# لوموند دیکشنری

(سوفاری)

## چرا آذربایجان تغییر به خود ندید؟

پس از صربستان، گرجستان و اوکراین، بر این باور بودیم که آذربایجان نیز به نوبه خود از «انقلابی رنگین» برخوردار خواهد شد. به هیچ عنوان چنین نشد: رأی گیری مجلس قانونگذاری در نوامبر ۲۰۰۵ به پیروزی طرفداران آقای الهام علی اف، پسر حیدر علی اف، رئیس جمهور اسبق انجامید. توجیه کننده این قدرت شبه دودمانی به همان اندازه سرکوب، ناسیونالیسم و عطیه الهی نفت است، که خطر درگیری نوینی با ارمنستان همسایه.

## خاندان تزلزل ناپذیر علی اف

### ویکن چتریان\*

هم آذربایجانی‌ها و هم ناظران بین‌المللی، پرزیدنت الهام علی اف را، کم‌تر از آنچه بود ارزیابی کرده بودند. در ماه نوامبر ۲۰۰۳، با وجود آنکه وی نامزد جایگزینی پدر خود، حیدر علی اف بود، به طور قطع از تجربه سیاسی لازم برخوردار نبود؛ مفسران متعددی قابلیت او را برای رهبری و تحکیم ثبات سال‌های اخیر در آذربایجان، مورد سؤال قرار می‌دادند. با این وجود، در سال ۲۰۰۳، پس از انتخاب به سمت ریاست جمهوری، و پیروزی طرفدارانش در نوامبر ۲۰۰۵، در انتخابات مجلس ملی، آقای علی اف در مقام رهبر بی‌رقیب کشور، موضع خود را مستحکم کرد.

از ۱۲۵ کرسی، صرفاً ۱۱ کرسی به دست احزاب مخالف افتاد؛ دیگر کرسی‌ها در اختیار «آذربایجان‌نو» (۱) همان حزب حاکم و نمایندگانی «مستقل» قرار گرفت که نزدیک به نظام تلقی می‌شوند. احزاب مخالف و ناظران بین‌المللی آن را یک افتضاح خواندند، ولی «آذربایجان‌نو»، با تأیید ناظران «اتحادیه کشورهای مستقل» (۲)، در واقع دستگاه حاکمیت دولت را در کنترل کامل خود دارد. اعتراضات بر علیه تخلفاتی که انتخابات را مخدوش کرده‌اند تغییر چشم‌گیری در نتایج به همراه نخواهد آورد.

انقلاب‌های دمکراتیک صلح‌جویانه‌ای که، در کشورهای همجوار: گرجستان، اوکراین و قرقیزستان، در پی رأی‌گیری‌های اعتراض برانگیز به دنبال آمده بود، به نگرانی در باره حوادث اسفباری در دیگر جمهوری‌های شوروی سابق، طی دوره انتخابات دامن می‌زد. آقای علی اف، شخصاً معتقد بود که نظام وی مورد تهدید نیست. وی، به سؤال روزنامه‌نگاری در مورد احتمال تحقق یک انقلاب در آذربایجان، پاسخ داده بود: «به هیچ عنوان!»، و افزوده بود: «هر ملتی تاریخچه‌ای از آن خود دارد.» (۳)





تاریخچه حاکمیت مدرن آذری، به خانواده علی‌اف، که در ۳۶ سال گذشته به سیاست کشور شکل داده، پیوند خورده است. حاکمیت علی‌اف‌ها با حیدر، افسر سابق «سازمان اطلاعات شوروی»، که در سال ۱۹۶۹ به مقام دبیر کلی حزب کمونیست آذربایجان دست یافت و سپس در سال ۱۹۸۲ پای به «پولیت بوری (۴)» شوروی گذاشت، آغاز شد. در دوران آقای میکائیل گورباچف، در چارچوب پرستروئیکا و تمایل به رفورم در دستگاه‌های فاسد دولتی جمهوری‌های شورائی دوره برژنف، علی‌اف در سال ۱۹۸۷، به ناچار بازنشسته شد. رفورم‌ها در عمل عامل ایجاد تزلزل شدند، در شرایطی که درگیری مرزی با ارمنستان همسایه بر سر «قره‌باق - بالا» به مرحله انفجاری رسیده بود، و در شهر باکو «نومان کلاتورای (۵)» محلی با جنبش رو به گسترش «جبهه مردمی آذربایجان»، در نبرد قدرت درگیر شده بود.



اثر نقاش آذری اسماعیل مهدوف

## در باب موضوع ثبات

در میان آنان وزیر «توسعه اقتصادی»، فرهاد علی‌اف دیده می‌شود؛ وزیر «بهداشت»، علی اینسانف (۱۷)، یکی از پایه‌گذاران حزب حاکم، و رئیس دفتر ریاست جمهوری، آکیف مورادوردیف (۱۸)، نیز به همراه برخی دیگر از مسئولان غیرمحبوب، به احتمال زیاد برای جلب اعتماد آذری‌ها، برکنار می‌شوند (۱۹).

به این کارت‌های برنده که نتیجه ضعف مخالفان سیاسی و سرسپردگی دستگاه حاکمیت است، آقای علی‌اف می‌تواند عطیه الهی درآمد نفت را که در اوج خود قرار دارد نیز اضافه کند. پس از یک دهه وعده، خط لوله «باکو-تفلیس-جیهان» در ماه مه ۲۰۰۵ افتتاح و نفت آذری به بازارهای جهانی ارائه شد. پر کردن این لوله ۱۷۷۰ کیلومتری، که ۴ میلیارد دلار هزینه برداشته بود و می‌باید در سال ۲۰۰۸، یک میلیون بشکه نفت در روز انتقال دهد، شش ماه تمام وقت گرفت. بر پایه قیمت هر بشکه ۴۵ دلار (۶۰ دلار در اواخر سال ۲۰۰۵)، درآمدهای نفتی کشور می‌تواند در سال ۲۰۳۰ به ۱۶۰ میلیارد دلار بالغ شود، مبلغی عظیم، اگر بودجه آذربایجان در سال ۲۰۰۵ را که ۲ میلیارد دلار بوده، از نظر دور نداریم (۲۰).

آیا کشور قابلیت دریافت چنین فواران ارزی را دارد؟ تیری کوویل، پژوهش‌یار در «مرکز ملی تحقیقات علمی» (۲۱)، متخصص مدیریت اقتصادهای نفتی، پاسخ می‌دهد، خیر. «مشکل اساسی که در مقابل اقتصادهای نفتی قرار می‌گیرد، نخست موفقیت در پایه‌ریزی یک اقتصاد موازی است، که بر پایه مواد نفتی استوار نباشد، و بتواند درآمدهای نفتی را جهت توسعه زیربناها و شبکه اجتماعی به کار گیرد. ولی، در کشوری که شفافیت وجود ندارد، تمایل بر آن خواهد بود که عطیه الهی نفت در خدمت «باندبازی» به کار گرفته شود.»

در اواخر قرن ۱۹، باکو یک شهر مهم نفتی بود. در سال ۱۹۰۰، این شهر به تنهایی نیمی از نفت جهان را تولید می‌کرد. آینده کشور و خاندان علی‌اف وابسته به شیوه مدیریت درآمدهای نفتی است. کارشناسان در مورد «همرفت (۲۲) هلندی»، که به یک اقتصاد وابسته به تولیدات نفتی حمله‌ور می‌شود، و در شرایطی که دیگر شاخه‌ها بارآور نبوده و توسعه‌شان به سختی صورت می‌گیرد، ارزی قدرتمند به ارمغان می‌آورد، هشدار می‌دهند. نفت، در حال حاضر، ۸۰ درصد صادرات آذری‌ها را تشکیل می‌دهد (۲۳). آقای علی‌اف، طی مبارزات انتخاباتی‌اش قول داده بود که ۲۰۰ هزار کار جدید ایجاد کرده، با فساد دولتی و فقر مبارزه کند (۲۴).

و از سوی دیگر، آقای علی‌اف «وارث یک پایگاه با ارزش سیاسی به صورت یک حزب حاکم، یعنی "آذربایجان نو"، است. گذشته از این، بیش از هر چیز، ویژگی زندگی سیاسی به نقش مهمی که خانواده، رهبران منطقه‌ای و ارتباطات گروهی ایفا می‌کنند، مرتبط شده است. خاستگاه خاندان علی‌اف و دیگر شخصیت‌های مهم دولتی یا نخجوان است، یا محل تولدشان ارمنستان - به آنان لقب «گروه نخجوان» داده‌اند. «این امر که در دوره شوروی، هیچ فعالیت سیاسی را نمی‌توان به الهام علی‌اف نسبت داد، حتی در قیاس با برخی از مخالفان سیاسی او که ناراضیان شوروی بودند، می‌تواند یک برگ برنده به شمار آید»

زمانی که وضعیت جسمانی حیدر علی‌اف رو به وخامت گذارد، متنفذان طبقه حاکم پسر او را برای جانشینی نامزد کردند (۱۱). این امر در انتخابات ریاست جمهوری در اکتبر ۲۰۰۳، که طی آن آقای علی‌اف بر نامزد مخالفان سیاسی، آقای عیسی قمبر (۱۲) پیروز شد، تحقق پذیرفت. هرچند «سازمان امنیت و همکاری اروپا» (۱۳) به «صحت» این رأی‌گیری اعتراض کرد، و مخالفان سیاسی دست به عملیاتی محجوبانه زدند، نیروی امنیتی تظاهرات را سرکوب کرده و به دستگیری فعالان پرداخت، و از این رهگذر نشان داد که رئیس جمهور جدید از حمایت «متنفذان حاکمیت» و دستگاه سرکوبش برخوردار است.

با این وجود، به دلیل بی‌تجربگی، آقای علی‌اف می‌بایست به مشاوران قدرتمند پدر خود، که برای تصاحب قدرت به جان یکدیگر افتاده بودند، تکیه کند. در شرایطی که «انقلاب‌های رنگین» کشورهای سابق شوروی را در می‌نوردید، هیچ عاملی امکان نمی‌داد که پیوستن گروهی از «متنفذان حاکمیت» به گروه مخالفان سیاسی را بتوان پیش بینی کرد.

مجموعه حوادثی، این مخالفان را منزوی کرده، فضائی از رعب و عدم یقین به همراه آورد. آغازگر آن، سوءقصد به جان «المار حسین‌اف» (۱۴)، روزنامه‌نگار برجسته و منتقد بی‌محابای نظام، در مارس ۲۰۰۵، بود. سپس افتضاح در مورد آقای رُسلان بشیرلی (۱۵)، مسئول جنبشی از جوانان به راه افتاد، که در ویدئوهائی که دولت به نمایش عمومی گذاشت، در حال گرفتن پول از افسران اطلاعاتی ارمنستان بود، و نظام وی را متهم به دریافت حمایت و کمک از «انستیتوی دمکراتیک ملی مسائل جهانی» (۱۶) در واشنگتن، جهت برانگیختن انقلاب در آذربایجان کرد. نهایتاً، کار به بازداشت تعداد کثیری از شخصیت‌ها کشید، که متهم به زمینه‌سازی یک کودتا شدند، و

ضعف کنونی مخالفان سیاسی، بازتاب دوره (۱۹۹۳-۱۹۹۲) است که طی آن «جبهه مردمی آذربایجان»، تحت زعامت ناراضی قدیم، ابولفاد الجیبی (۶)، به قدرت رسید؛ دوره‌ای که با پس‌روی اقتصادی (۷)، مدیریت ناکارآمد، و نرخ بالای بیکاری توأم شد. در زمینه سیاست خارجی، گروه الجیبی، آنکارا را به مسکو ترجیح داد؛ اطلاعاتی‌های این جبهه در مورد اتحاد آذربایجان با «آذربایجان جنوبی» (در حال حاضر قسمتی از خاک ایران) نگرانی شدیدی در تهران ایجاد نمود (۸). از طرف دیگر، درگیری قره‌باق شدت گرفت. پس از چند پیروزی و اشغال یک چهارم از مناطق شمالی این منطقه، نیروهای آذری شکست خوردند. آشفستگی به جبهه‌ها محدود نشده، به باکو نیز کشیده شد.

در این شرایط است که نظارت سیاسی این جمهوری بار دیگر در دست حیدر علی‌اف قرار می‌گیرد. وی پس از نبردهای سنگین در جبهه قره‌باق، در سال ۱۹۹۴، مجبور به امضاء قرارداد آتش‌بسی می‌شود که هنوز پا برجاست. سپس به سرکوب گروه‌های مسلح می‌پردازد که طی دوران جنگ شکل گرفته بودند، و از این طریق یک نیروی پلیس قدرتمند پایه‌ریزی می‌کند که هنوز رکنی از حاکمیت است. نهایتاً، در ماه سپتامبر همان سال، یک قرارداد بهره‌برداری نفتی به مبلغ ۸ میلیارد دلار، با کنسرسیومی به ریاست «بریتیش پترولیم» به امضاء می‌رساند، که «قرارداد قرن» لقب می‌گیرد. شرایط ایستا در قره‌باق، دولت پلیسی و عطیه الهی نفت که وسیله انسجام متنفذان حاکمیت است، اساسی‌ترین پایه‌های دولت آذری به شمار می‌آیند.

حیدر علی‌اف، پس از مرگ، در سال ۲۰۰۳، به صورتی روز افزون، قبله آئین شخصیت پرستی شده. عکس‌های بیشماری از وی را می‌تواند در کنار رئیس جمهور جوان دید. در سخنرانی‌ها و مقالات از وی به عنوان بنیانگذار آذربایجان نوین یاد می‌شود. زمانی که اعضای فرهنگستان آذری «اشتباها»، سال‌های ۱۹۷۰ را دوره «ایستائی» و فساد دولتی معرفی کردند، به دفتر آقای الهام علی‌اف احضار شده، شدیداً مورد سرزنش قرار گرفتند و دستور داده شد که در مطالب خود تجدید نظر کنند (۹).

آقای تادئوس سویتوچوفسکی (۱۰)، متخصص برجسته تاریخ آذربایجان نوین، ظهور یک «خاندان» رهبری، نخستین نمونه در یک کشور شوروی سابق را تعجب آور نمی‌داند. وی توضیح می‌دهد، از یکسو، «ثبات» - با اهمیت هم برای پدر و هم برای پسر - «مسئله افراد بیشماری در بطن جامعه آذری» است.



## جریحه‌دار شدن غرور ملی

سایه هولناک یک جنگ نوین، با بهره‌گیری از درآمدهای نفتی، برای بازپس‌گیری قره‌باق نیز، در حال شکل‌گیری است. پس از تلاش‌هایی که برای مذاکره، تحت نظر حیدر علی‌اف، در باره صلح، صورت گرفت، باکو بار دیگر تمامیت ارضی کشور را مطرح می‌کند. ارمنی‌های قره‌باق، با حمایت ایروان، خواستار خودمختاری‌اند. دو کشور همسایه، خارج از ملاقات‌های دوره‌ای میان وزرای امور خارجه خود، عملاً هیچ‌گونه ارتباطی با یکدیگر ندارند.

باکو از این می‌هراسد که توسعه‌های اخیر در منطقه بالکان، خصوصاً حمایت احتمالی «جامعه بین‌الملل» از استقلال کوسوو، «پیشینه‌ای» در حل مناقشات «قومی‌سرزمینی» به همراه آورد. مقامات آذری اخطار کرده‌اند که اگر راه‌حل‌های دیپلماتیک نتیجه‌ای به دنبال نداشته باشد، متوسل به راه‌حل نظامی خواهند شد. هزینه‌های نظامی کشور از ۱۷۵ میلیون دلار در سال ۲۰۰۴، به ۳۰۰ میلیون دلار در سال بعد بالغ شد. و اخیراً ریاست‌جمهوری خود را متعهد نموده که این بودجه در سال ۲۰۰۶ دوبرابر خواهد شد، یعنی برابر با کل بودجه کشور ارمنستان (۲۵).

انتقال تجهیزات روسی‌ای که در پادگان قدیمی مسکو در کشور گرجستان مستقر شده بودند، به گومری (۲۶) در ارمنستان، مقامات آذری را نگران کرده. پس از عقب‌نشینی آمریکایی‌ها از پایگاه‌های‌شان در ازبکستان، شایعاتی مبنی بر مذاکرات میان باکو و واشنگتن، جهت استقرار یک نقطه اتکاء در آذربایجان برای حمایت از عملیات ارتش آمریکا در آسیای

مرکزی، بر سر زبان‌ها افتاده بود (۲۷). آیا نفت زمینه‌ساز یک مسابقه تسلیحاتی در منطقه قفقاز خواهد شد؟ در آذربایجان و در ارمنستان، افکار عمومی اختلافی اساسی دارند. اکثر ارمنه می‌پندارند که درگیری پایان یافته، و آنان عدالتی تاریخی را مستقر کرده‌اند، در حالی که برای آذربایجانی‌ها قره‌باق نماد «غرور ملی‌ای» جریحه‌دار شده است که می‌باید به جبران آن همت گماشت.

توسعه سرسام‌آور نفتی، از نو آذربایجان را دگرگون می‌کند. در آغاز سال‌های ۱۹۹۰، صدها هزار آذربایجانی، به دلایل اقتصادی، به روسیه مهاجرت کردند؛ امروزه موج داخلی مهاجرت از شهرستان‌های رو به افول به جانب پایتخت است، و ساختار اجتماعی کشور را تهدید می‌کند. بر اساس برخی تخمین‌ها، نیمی از جمعیت آذری در «باکوی بزرگ» زندگی می‌کند. همزمان، کشور در بطن تغییراتی ژئوپولیتیک قرار گرفته، در میانه روابطی دشوار با ارمنستان و اتحاد با گرجستان «انقلابی»، میان ترکیه و ایران، میان بلندپروازی‌های نظامی آمریکا و تلاش‌های روسیه جهت حفظ نفوذ خود. درآمدهای نفتی اتحاد میان نخبگان را استحکام می‌بخشد. آیا به همین نسبت به رفم‌هایی نیز مساعدت خواهد کرد که، در دراز مدت، صورت تغییراتی اجتماعی به خود گیرند؟ هیچ چیز از این نامطمئن‌تر نمی‌تواند باشد.

سعید سامان

<http://saeed-saman.blogspot.com>



اثر نقاش آذری اسماعیل ممدوف

### پانویس‌ها

\* روزنامه‌نگار، ژنو.

Yeni Azerbaïdjan (۱)

CEI یا Communauté des États Indépendants (۲)

که در برگیرنده دوازده جمهوری شوروی سابق است.

(۳) آیدا اسفانوا (Aida Sftanova)، «نارضایتی در آذربایجان به بحران منجر نخواهد شد»، آسوشیتدپرس، باکو، ۲۹ ژوئن ۲۰۰۵.

(۴) Politburo، یا دفتر مرکزی سیاسی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی، یکی از نهادهای اصلی در تعیین سیاست‌های کشور در حکومت شوروی سابق بود. حیدرعلی‌اف، اولین فرد از اقلیت مسلمان اتحاد شوروی سابق بود که رسماً به عضویت این نهاد پذیرفته شد. (مترجم)

(۵) Nomenclatura یا به روسی (номенклатура) معنای لغوی این واژه «فهرست اسامی» است. در آغاز انقلاب اکتبر افرادی در این «فهرست» قرار می‌گرفتند که از مواضع مستحکمی در بطن حزب کمونیست شوروی برخوردار بودند. بعدها این واژه، تقریباً در تمامی زبان‌ها، برای اشاره به «یک گروه افراد متنفذ» به کار برده شده. (مترجم)

Aboulfaz Eltchibey (۶)

Récession (۷)

(۸) «آذربایجان جنوبی» از سه منطقه تشکیل شده که در شمال غربی ایران قرار گرفته‌اند، و تبریز شهر عمده این منطقه به شمار می‌رود. جمعیت ترک‌زبان در این مناطق ۱۲ میلیون تن تخمین زده می‌شود.

(۹) گزارش جزئیات این مذاکرات در تاریخ ۹ آوریل ۲۰۰۴، روی سایت

<http://day.az/news/politics/6292.html>، قرار گرفته

بوده.

Tadeusz Swietochowski (۱۰)

(۱۱) مراجعه شود به «جانشینی‌ای نامعلوم در آذربایجان»، لوموند دیپلماتیک، اکتبر ۱۹۹۹.

Issa Gambar (۱۲)

می‌شوند. (مترجم)

(۲۳) «ساتراپ نفتی: ارزیابی ظاهری»، اکونومیست، لندن، ۱۱ ژوئن ۲۰۰۵.

(۲۴) طی مسابقات انتخاباتی، آقای علی‌اف اعلام داشت: «سطح فقر، طی دو سال اخیر، در آذربایجان، از ۴۹ درصد به ۲۰ درصد رسیده است.» (خبرگزاری تاس، باکو، ۱۲ مه ۲۰۰۵).

(۲۵) آذرتاک، باکو، ۲۰ دسامبر ۲۰۰۵.

Gümri (۲۶)

(۲۷) روزنامه لوموند، ۵ نوامبر ۲۰۰۵.

L'organisation pour la sécurité et la coopération en Europe (OSCE). (۱۳)

Elmar Houseynov (۱۴)

Ruslan Bashirli (۱۵)

National Democratic Institute for International Affairs (۱۶)

Ali Insanov (۱۷)

Moradverdiev Akif (۱۸)

(۱۹) نیک پاتن والش، (Nick Paton Walsh)، «وزرای آذربایجانی متهم به پایه‌ریزی کودتا»، گاردین، ۲۱ اکتبر ۲۰۰۵.

(۲۰) شاهین عباس‌اف (Shahin Assasov) و خدیجه اسمائیلوا

(Khadija Ismailova)، «افتتاح خط لوله به سرکوب مخالفت سیاسی کمک می‌کند»، اورازینت، ۶ ژوئن ۲۰۰۵، [www.eurasianet.org](http://www.eurasianet.org)

Thierry Coville. (Centre national de la recherche scientifique) یا (CNRS). (۲۱)

(۲۲) Syndrome، علائم یک بیماری را می‌گویند. توضیح این «بیماری» اقتصادی با در نظر گرفتن شرایط اقتصادی کشور ایران می‌تواند برای خوانندگان فارسی زبان جالب توجه باشد. «همرفت هلندی»، نوعی بیماری اقتصادی است که شورهایی به آن دچار می‌شوند که بهره‌برداری وسیع از منابع طبیعی برای آنان ارز قدرتمندی به همراه می‌آورد - کشور کانادا در دهه ۱۹۶۰، کشور نروژ در حال حاضر، و بسیاری از کشورهای نفت‌خیز به این «بیماری» دچارند. از این رهگذر صنایع دیگر عملاً به حال خود رها می‌شوند، چرا که بالا رفتن ارزش مبادلاتی ارز ملی، ارزش کالاهای وارداتی را پائین نگاه داشته، سرمایه‌گذاری در زمینه تولید داخلی از نظر اقتصادی با بحران روبرو می‌شود. از طرف دیگر نیروی کار ماهر برای جذب دستمزدهای بالا به شاخه صنعت کلیدی متوجه شده، دیگر شاخه‌های اقتصادی با کمبود نیروی کار ماهر روبرو